

پاسخ‌هایتان را از طریق پیامک  
به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال  
کنید. به ۳ نفر از افرادی که  
پاسخ درست را ارسال کرده  
باشند به قید قرعه کارت هدیه  
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

## پاسخ معماری شماره ۱۲

در معماری جنایی شماره قبل اشاره شد که کار آگاهان به این نتیجه رسیدند سرقتی  
اتفاق نیفتاده، بلکه زن و شوهر جوان قصد صحنه‌سازی دارند و ماجرا یک سرقت  
ساختگی است. آنها با توجه به شیشه‌هایی که داخل خانه و زیر پنجره ریخته بود  
پی بردند که شکستن شیشه از داخل خانه اتفاق افتاده و زن و شوهر جوان دروغ  
می‌گویند و قصد گمراه کردن پلیس را دارند.

### برندگان

\*\*\*۰۹۱۲۶۶۹۰\*\*\*  
\*\*\*۰۹۱۲۱۱۱۲\*\*\*  
\*\*\*۰۹۱۷۱۷۱۰\*\*\*

برنده کارت هدیه  
۵۰۰ هزار تومانی  
شدند.



که می‌گفت: از زندگی ام راضی نبودم و به زندگی ام پایان دادم. حلالم کنید. بعد  
از آن هم صدای شلیک گلوله شنیده و در نهایت صدا قطع شد.  
وجود اسلحه در دست متوفی و شلیک گلوله از فاصله نزدیک و صدای ضبط  
شده حاکی از این بود که مرد جوانی به پارک رفته و در محلی خلوت به  
زندگی‌اش پایان داده است؛ اما این همه ماجرا نبود. کار آگاه که از همان ابتدا  
به ماجرا مشکوک بود و درباره صحنه کشف جسد تردید داشت معتقد بود که  
این حادثه یک قتل مرموز است، نه خودکشی؛ به همین دلیل او در گزارش  
خود نوشت: مرد جوانی که پیکرش در پارک کشف شد، با شلیک گلوله به قتل  
رسیده است. به نظر شما با وجود شواهد و مدارکی که در محل حادثه به دست  
آمده و نشان می‌دهد مرد جوان خودکشی کرده، چرا کار آگاه معتقد است این  
مرد به قتل رسیده است؟  
به ۳ نفر از خوانندگان که به معماری جنایی ما پاسخ صحیح دهند به قید قرعه  
کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی اهدا خواهد شد.

چند روز قبل به پلیس خبر رسید که در یک پارک جنگلی مرد جوانی با شلیک  
گلوله به قتل رسیده است. وقتی کار آگاه جنایی و تیم بررسی صحنه جرم به  
محل حادثه رسیدند با پیکر بی جان مردی حدود ۳۶ ساله مواجه شدند که بر  
اثر اصابت یک گلوله به جمجمه‌اش جانش را از دست داده بود. آنجا حاشیه  
پارک جنگلی و جایی خلوت و کم تردد بود. شواهد نشان می‌داد حدود  
۲ ساعت از مرگ مرد جوان می‌گذرد. یکی از کشف‌های متوفی به پیش نبود،  
اما کشف دیگری که یک کتانی بود هنوز در پای چپ او بود. تحقیقات میدانی  
نشان می‌داد که هیچ کس فرد مشکوکی را در آن حوالی ندیده و فقط صدای  
شلیک گلوله شنیده شده است. این صحنه قتل جزئیات مهم دیگری نیز داشت.  
از جمله اینکه یک اسلحه در دست متوفی بود و گلوله نیز از فاصله نزدیک به  
سرش شلیک شده بود. همچنین یک دستگاه ضبط صدا کنار جسد افتاده بود  
که می‌توانست سرخ اصلی این حادثه تلخ باشد. کار آگاه وقتی دکمه پخش  
دستگاه را فشار داد شروع به پخش صدا کرد. صدایی بریده بریده شنیده می‌شد

## همه می‌دانستند!

### فیلم جنایی

پاکو، یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم، از آغاز مردی  
است دوست‌داشتنی و مسئولیت‌پذیر؛ کسی که به طعنه  
مهاجرستیز فرناندو می‌خندد، یار و یاور اعضای خانواده است،  
مجلس گرم‌کن است، نخستین نفری است که در باران تند  
شب عروسی به دنبال موتوربرق می‌رود، با تعهدی عجیب  
و شاید بابت ته‌مانده عشق قدیمی‌اش، نفر اول جست‌وجو  
به دنبال دختر گمشده است و نهایتاً پس از بحران و پس از  
افشای راز هم همین است که بود، بی‌آنکه چیزی به او اضافه  
یا از او کم شده باشد. شاید تصویر رستگاری پاکو در پایان  
فیلم یکی از غریبه‌ترین صحنه‌هایی باشد که فرهادی در  
سال‌های اخیر آفریده.  
به همین سادگی جشن و البته تمام قصه فیلم متمرکز  
می‌شود بر یک روایت حادثه‌گونه و تلخ و فرهادی تا فیلم را به  
پایان برساند حساسی تماشاگرش را با نفس‌های حبس شده  
در سینه غافلگیر می‌کند.

آقای کارگردان مثل همیشه انبوهی از تعلیق  
و تکامل را برای قصه‌اش در نظر گرفت و راهی  
اسپانیا شد تا فیلمی بسازد که آدم‌ربایی و  
گروگانگیری بشود کلمه کلیدی داستانی که  
اصغر فرهادی ساخت. فرهادی فیلم «همه می‌دانند» را متأثر  
از یک سفر قدیمی به اسپانیا و خبر اول روزنامه‌های آن روز  
این کشور اروپایی نوشت. وقتی فرهادی به اسپانیا سفر کرده  
بود صفحه حوادث روزنامه‌ها همگی عکس‌سی از دختر جوانی  
را منتشر کرده بودند که توسط گروگانگیرها ربوده شده بود.  
کارگردان ایرانی سال‌ها بعد قصه فیلم همه می‌دانند را با الهام از  
این حادثه نوشت و آن را ساخت. فیلم، قصه لورا با بازی پنه لویه  
کرروز است که از آژانتین برای شرکت در یک مهمانی خانوادگی  
به شهر زادگاهش در اسپانیا می‌رود. او همراه فرزندانش در حال  
مهمیاشدن برای این جشن مهم است که ناگهان با یک فاجعه  
روبه‌رو می‌شود؛ اثری از دخترش نیست.

## درنده باسکرویل

### کتاب پلیسی

**علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار:** در میان کار آگاهان  
قصه‌های جنایی، شخصیت «شرلوک هلمز» جزو  
معروف‌ترین و محبوب‌ترین کاراکترهای پلیس تاریخ  
است؛ مردی با هوش و قوه استدلال خارق‌العاده که با



کمترین شواهد می‌توانست پرونده‌ای را حل کند.  
نویسنده معروف، «سر آرتور کانن  
دویل» این شخصیت را با الهام از  
پزشکی اسکاتلندی به نام جوزف بل  
ساخت؛ پزشکی که تأکید داشت برای  
تشخیص درست باید پدیده‌ها را به دقت  
و از نزدیک مشاهده کرد. کانن دویل،  
۴ رمان و چند ده داستان کوتاه با  
محوریت شخصیت شرلوک نوشت. کتاب  
«درنده باسکرویل» سومین رمان از این  
مجموعه محسوب می‌شود. ماجرای خلق  
این رمان جنایی و معمایی از این قرار  
است که کانن دویل پس از رمان «تشانه  
چهار» و پرت کردن شرلوک و موربارتی  
به ته آیشار از سوی طرفدارانش به شدت  
تحت فشار بود تا او را بازگرداند. بنابراین  
تصمیم می‌گیرد داستان دیگری بنویسد  
تا از این فشار اجتماعی خارج شود، ولی در عین شگفتی یکی از بهترین داستان‌های خود و  
شرلوک هلمز را خلق می‌کند. ماجرای این رمان در مورد خانواده باسکرویل است که اهالی  
معتقدند گرفتار نفرین شده‌اند. آنها می‌گویند سگی درنده و وحشی یکی از باسکرویل‌ها  
به نام سر چارلز را کشته است. یکی از اعضای خانواده از شرلوک می‌خواهد تا راز این قتل‌ها  
را کشف کند. با وجود رد پای سگ در کنار جنازه سر چارلز، شرلوک اما نمی‌پذیرد که واقعاً  
سگی بزرگ وجود داشته است. کانن دویل این داستان را با الهام از ماجرای واقعی افسانه‌ای  
نوشت که تقریباً ۳۰۰ سال قبل تر رخ داده بود؛ ماجرای مردی که روحش را به شیطان  
فروخت و پس از مرگ، روحش در گورستان سرگردان بود و فریاد می‌کشید. اگر شما هم  
جزو علاقه‌مندان به رمان‌های جنایی و معمایی هستید، مطالعه این اثر ژانر جنایی را هم  
در برنامه مطالعه‌ای خود قرار دهید و در نخستین فرصت، مطالعه آن را شروع کنید. کتاب  
درنده باسکرویل آرتور کانن دویل را نرگس مساوات ترجمه و نشر ثالث منتشر کرده است.

